


A Justice-Oriented Approach to the Competencies of the Ideal Judicial System within the Intellectual Framework of Ayatollah Khamenei

Ali Taghinezhad

PhD student in Public Law, Islamic Azad University, Qom Branch; Qom, Iran.
(Corresponding author)


Email: shahed1368@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Amir Hossein Khosrowabadi

P.H.D in Criminal Law & Criminology , Faculty of Law, Shahid Beheshti University,
Tehran, Iran.

Email: a_khosroabadi@sbu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Abstract

An effective and ideal judicial system must continuously seek to extract and apply new achievements and reform existing adjudicatory structures. According to Article 156 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, the Judiciary is an independent branch, with defined scope, responsibilities, and competencies. These competencies include the protection of individual rights (freedom of expression, movement, education, thought, writing, art, etc.), protection of social rights (freedom of assembly and demonstration, formation of political parties, right to a healthy environment, etc.), and the administration of justice for all members of society. Although five primary functions are outlined for the Judiciary under this constitutional article, practical attention to its justice-dispensing competency has been neglected, and no clear interpretive framework has been articulated. Given that the ultimate aim of the Judiciary is the realization of justice in disputes and redress of unjust discrimination arising from wrongdoing, neglecting this justice-centered competency undermines constitutional and Islamic legal objectives. This study asks: What constitutes a justice-oriented interpretation of the competencies of the ideal judicial system within Ayatollah Khamenei's intellectual framework? Using a descriptive-analytical method grounded in his speeches and writings, the research extracts key indicators and requirements of a justice-based interpretation. The findings suggest that justice-oriented competencies focus on combating corruption, eliminating unjust discrimination, and prioritizing preventive strategies. Complementary requirements include independence, impartiality, attention to public opinion, and recognition of the people's role in the judicial process.

Keywords: Social justice; Judiciary; Competency; Judicial system; Judicial thought; Ayatollah Khamenei.

رهیافت عدالت‌گرا از صلاحیت‌های نظام قضایی مطلوب در چارچوب منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

علی تقی نژاد

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم؛ قم، ایران (نویسنده مسئول).
Email: shahed1368@gmail.com n ID 0000-0000-0000-0000

امیرحسین خسروآبادی

دانش آموخته دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (ره)،
تهران، ایران.

Email: a_khosroabadi@sbu.ac.ir ID 0000-0000-0000-0000

چکیده

نظام قضایی مطلوب و کارآمد، پیوسته باید در جست‌وجوی استخراج و به‌کارگیری دستاوردهای جدید و ایجاد تحول در نظام دادرسی و وضعیت موجود باشد. بر اساس «اصل ۱۵۶» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، قوه‌ای مستقل است؛ یعنی کارایی، حیطة وظایف و صلاحیت‌های آن قوه مرز و محدوده مشخصی دارد. بر این اساس، صلاحیت‌های این قوه مشتمل است بر پشتیبانی حقوق فردی (آزادی بیان، آزادی رفت‌وآمد، حق تعلیم و تعلم، آزادی اندیشه و قلم، آزادی هنر و...)، پشتیبانی از حقوق اجتماعی (آزادی تجمعات و راهپیمایی‌ها، آزادی تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی، حق برخورداری از محیط زیست سالم و...) و عدالت‌گستری برای آحاد افراد جامعه. در این راستا و ذیل همین اصل، پنج کارکرد مهم نیز برای قوه قضائیه تبیین گشته، ولی در این میان، توجه به صلاحیت عدالت‌گستری قوه قضائیه در عمل مغفول مانده و تفسیر مشخصی از آن ارائه نشده است. این در حالی است که غایت قوه قضائیه، تحقق عدالت در مراجعات و جبران تبعیض‌های ناروای ناشی از بزهکاری است و بی‌توجهی به صلاحیت عدالت‌گستری باعث می‌شود، نظام قضایی کارکرد مطلوبی در راستای قانون اساسی و موازین شرعی از خود نشان ندهد. به همین منظور، پرسش مقاله پیش رو این است که «عدالت‌گرایی صلاحیت‌های نظام قضایی مطلوب در چارچوب منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟» این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، در تلاش است با اتکا به بیانات و مکتوبات آیت‌الله خامنه‌ای، شاخصه‌ها و بایسته‌هایی از تفسیر عدالت‌گرا در خصوص صلاحیت‌های نظام قضایی را استخراج کند. طبق بررسی‌های انجام شده، مبنی بر رهنمودهای ایشان، شاخصه‌های عدالت‌گرایی در صلاحیت نظام قضایی، معطوف به مبارزه با فساد، رفع تبعیض‌های ناروا و تمرکز بر راهبردهای پیشگیرانه است که در امتداد این شاخصه‌ها، بایسته‌های استقلال، بی‌طرفی و توجه به افکار عمومی و نقش مردم در فرآیند قضایی، می‌تواند تسبیر عدالت‌گرایانه از صلاحیت نظام قضایی مطلوب را به منحصه ظهور برساند...

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، قوه قضائیه، صلاحیت، نظام قضایی، اندیشه‌های قضایی، آیت‌الله خامنه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۷، پاییز ۱۴۰۴، صص ۶۵-۹۱



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی CC BY 4.0 International Creative Commons Attribution 4.0 International

Doi:10.22034/rir.504812.1084

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

قوهی قضائیه یکی از قوای سه‌گانه‌ی جمهوری اسلامی ایران و مسئول حل و فصل دعاوی، حفظ حقوق عمومی، گسترش آزادی‌های مشروع، اجرای عدالت و اقامه‌ی حدود الهی در جامعه اسلامی است. اهمیت جایگاه آن قوه و ضرورت آن جهت اداره‌ی جامعه، موجب شده است تا قانون‌گذار اساسی، «اصل ۱۵۷» را به عالی‌ترین مقام قوه و مسائل مربوط به آن اختصاص دهد (محشای قانون اساسی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۳۴۴). «اصل ۱۵۶» وظایفی را برای قوهی قضائیه معین و صلاحیت‌های آن را مشخص کرده است. ساختارهای قوه در راستای اصول قانون اساسی شکل یافته و آنچه در این میان، بیش از هر موضوع مورد توجه قرار گرفته است، تمرکز بر کارکرد دادرسی، مرافعه، حل اختلاف و تعقیب و محاکمه بزهکاران است. نظام قضایی ایران نیز تحت تأثیر این نگرش واقع شده و بخش زیادی از ساختار متورم این نظام به کارکردهای مذکور اختصاص یافته است؛ به‌نحوی که سایر کارکردهای این نظام از قبیل پیشگیری از بزهکاری و اصلاح بزهکاران و عدالت‌گستری در جامعه، سهم قابل قبولی از ساختار قضایی جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص نداده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲). یکی از این کارکردها، صلاحیت «تحقق بخشیدن به عدالت» است (پروین، ۱۳۹۶: ۱۹۹) که در صدر «اصل ۱۵۶» آمده است. این اشاره بیانگر نوعی الزام هدفمند است که در طول سایر صلاحیت‌های قوه قضائیه موضوع این اصل قرار گرفته است و نمی‌توان آن را در عرض سایر بندهای مقرر در اصل ۱۵۶ دانست. توضیح آنکه صلاحیت‌های قوه قضائیه از قبیل «رسیدگی و صدور حکم»، «احیای حقوق عامه»، «نظارت بر حسن اجرای قوانین»، «کشف جرم، تعقیب و مجازات بزهکاران» و «پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح بزهکاران» باید در راستای عدالت‌گستری تبیین شوند و ساختارهای قوه قضائیه بر اساس این هدف والا استقرار یابند. مسئله اساسی این است که علی‌رغم تأکید قانون اساسی بر رسالت عدالت‌گستری قوه قضائیه و اهمیت مفهوم عدالت در فرایند تکوین و تطور نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۱۸-۲۲۶)، هیچ‌گاه این رسالت مهم در توزیع و توزین تکالیف قوه قضائیه و ساختارسازی آن مورد توجه واقع نشده است. این در حالی است که آیت‌الله خامنه‌ای، بارها در بیانات خود، بر این رسالت

مهم تأکید کرده و آن را در ضمن صلاحیت‌های قوه قضائیه تفسیر نموده‌اند. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با تمرکز بر کارکرد «عدالت‌گستری» قوه قضائیه، تلاش می‌کند تا نقش این رسالت را در تفسیر دقیق‌تر صلاحیت‌های قوه قضائیه بیشتر واکاوی کند. برای این منظور، ابتدا شرح مختصری از مفهوم عدالت‌گستری به‌مثابه مبنای صلاحیت‌های قوه قضائیه و کارکردمحوری این قوه ارائه می‌شود؛ سپس چارچوب قانونی صلاحیت‌های نظام قضایی ایران توصیف می‌گردد. در پایان نیز، با عنایت بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، تفسیری از مبنای عادلانه بودن صلاحیت‌های نظام قضایی ارائه خواهد شد.

۱. روایت «عدالت‌گستری» در صلاحیت‌های قوه قضائیه

تبیین مفهوم عدالت‌گستری در چارچوب صلاحیت‌های قوه قضائیه، یکی از موضوعات محوری این پژوهش است. در ادامه پس از توضیح مفهوم صلاحیت، به بررسی مفهوم عدالت‌گستری پرداخته می‌شود.

۱-۱. صلاحیت

«صلاحیت» یکی از مهم‌ترین مفاهیم در نظام حقوقی بوده که در دوران مدرن موضوعیت پیدا کرده است. صلاحیت در کنار مفاهیم هنجاری دیگری چون «مشروعیت»، «قانون‌مندی» و «اختیار» معنا می‌یابد و شاکله نظام حقوقی مدرن را به وجود می‌آورند. در این پژوهش، تبیین تفصیلی مفهوم صلاحیت موضوع بحث نیست، بلکه مهم، ویژگی‌های ناظر بر صلاحیت است که آن را با مفهوم عدالت‌گستری پیوند می‌زند. در ادامه، ضمن تعریف اجمالی از مفهوم صلاحیت، ویژگی‌های صلاحیت تبیین خواهد شد.

۱-۱-۱. مفهوم صلاحیت

صلاحیت یک «نهاد اجتماعی»^۱ است. نهاد اجتماعی سامانه‌ای از قواعد هنجاری و روایی است که با هدف تنظیم سوزده‌ها و احیای سامان اجتماعی، به اعمال اقتدار می‌پردازد. ابتدای مفهوم صلاحیت بر ماهیت نهادگرایانه آن این مزیت را دارد که

^۱. Social Institution

می‌توان آن را موضوع نظریه عدالت اجتماعی قرار داد؛ چراکه غالب نظریات مطرح در باب ارائه الگوی مفهومی از عدالت اجتماعی به نهادهای اجتماعی تعلق دارد. بر این اساس، مفهوم صلاحیت می‌تواند موضوع نظریه عدالت اجتماعی قرار گیرد. صلاحیت در پرتو نظریه عدالت اجتماعی مستلزم رعایت قاعده برابری میان سوژه‌ها است. اعطای صلاحیت نباید با تبعیض همراه باشد، مگر آنکه این تبعیض به سود افراد کم‌برخوردار و در راستای جبران محرومیت‌های ناروای آنان باشد. صلاحیت حداقل در دو معنای متفاوت «تخصص» و «اختیار» می‌تواند به کار برود؛ در مفهوم نخست، یک نهاد می‌تواند تخصص و صلاحیت داشته باشد که اصالتاً به وضع قواعد و قوانین و تصمیمات حقوقی بپردازد و در معنای دوم، صلاحیت اتخاذ برخی تصمیمات را دارد. صلاحیت در اینجا به معنای «اختیار»، یک مفهوم هنجاری است؛ چراکه یک شخص یا نهاد، به واسطه یک هنجار، صلاحیت دارد و از این طریق، با اعمال و اجرای صلاحیت، وضعیت هنجاری فرد را تغییر می‌دهد (فلاح‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۷). صلاحیت در حقوق عمومی شبیه اهلیت در حقوق خصوصی است؛ چراکه در هر دو، سخن از این است که آیا شخص، اختیار انجام یک یا چند عمل حقوقی را دارد یا خیر. با وجود این، هدف آن‌ها یکی نیست؛ چون منظور از اهلیت نداشتن در حقوق خصوصی، یعنی نشناختن حق استیفا برای یک شخص، تأمین منافع همان شخص است که ممکن است صغیر یا محجور باشد؛ درحالی‌که صلاحیت نداشتن در حقوق عمومی، یعنی نشناختن یا محدود ساختن صلاحیت مأموران دولتی به منظور حفظ منافع عمومی در مقابل تجاوزات و تعدیات آن‌ها (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۴۶۱).

۱-۲-۱. ویژگی صلاحیت

برای مفهوم صلاحیت، ویژگی‌های متعددی بیان شده است که موجب تمایز آن با مفاهیم مشابه بوده و در پرتو نظریه عدالت اجتماعی واجد اوصاف ذیل است.

۱-۲-۱-۱- قانونی بودن

اعمال، اقدامات و تصمیم‌های مقامات عمومی، همواره منشأ قانونی دارد و در واقع، صلاحیت خارج از قانون که مستند آن استفاده از قدرت فرا قانونی باشد، اصلاً در حقوق عمومی یافت نمی‌شود. تعبیر «خارج از صلاحیت» وصف اقدامات و اعمالی است که از حمایت و پشتیبانی قانون اعم از قانون اساسی یا عادی برخوردار نیست و همین دلیل، به لغو و ابطال و بی‌اعتباری اقدام یا عمل منجر می‌شود. از آنجا که «صلاحیت» مفهومی است که در حوزه حقوق عمومی و مبتنی بر قانون شکل می‌گیرد، دارای محدودیت بوده، نمی‌تواند مطلق و بی‌قیدوشرط باشد. در صلاحیت‌های تکلیفی، تخلف از شرط تعیین‌شده قانون‌گذار، موجب خروج آنان از صلاحیت و بی‌اعتباری تصمیم یا اقدام و عمل خواهد شد؛ برای همین، صلاحیت‌های تکلیفی محدود هستند؛ اما در صلاحیت‌های اختیاری، اگرچه قانون به مقام اداری اختیار می‌دهد که بنا بر تشخیص خود عمل کند، ولی این، به معنای اعمال صلاحیت به صورت خودسرانه نیست؛ چراکه اعمال آن‌ها تابع اصولی نظیر انصاف، عدالت، عقلانیت، تناسب و... خواهد بود. بنابراین صلاحیت‌های اختیاری نمی‌توانند به صورت مطلق و بدون محدودیت اعمال شوند. صلاحیت‌ها باید در چهارچوب حقوق عمومی به کار روند و در هر صورت، محدود و مشروط خواهند بود (فلاح‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۱).

۱-۲-۲. الزامی بودن

این ویژگی، ریشه در ماهیت صلاحیت دارد. زمانی که ماهیت آن تکلیفی باشد؛ از سوی قانون‌گذار مقامات صالح برای انجام امور عمومی مشخص می‌شوند و به انجام امور معین نیز ملزم خواهند شد؛ در نتیجه نمی‌توانند از انجام آن امتناع کنند. نکته مهم این است که جز در موارد تعیین‌شده در قانون، حق برخورداری از تکالیف قانونی را ندارند.

۱-۲-۳. انحصاری بودن

قانون‌گذار بنا به مصالح موردنظر، تکالیف و صلاحیت‌هایی را به مقام عمومی مشخص واگذار می‌کند و صرفاً مقام مربوط به دلیل شایستگی، تخصص، مسئولیت و تجربه، بهترین شخص برای اعمال صلاحیت‌های مربوط خواهد بود. به همین جهت، فقط

مراجع و مقامات مقرر در قانون، مجاز به اعمال آن هستند و مجوزی برای دخالت دیگران صادر نشده است و سایر مقامات عمومی، حق مداخله، استفاده و استناد به صلاحیت‌های اعطایی را ندارند.

این ویژگی، نتیجه‌ی وصف انحصاری بودن صلاحیت است و تنها مقام عمومی مشخصی می‌تواند از آن بهره‌برد. در صورت فقدان مجوز صریح قانون‌گذار مبنی بر قابل تفویض بودن صلاحیت، مقامات عمومی مربوط، هیچ حقی برای تفویض صلاحیت‌های قانونی خود ندارند؛ بنابراین در حقوق عمومی، اصل بر عدم تفویض صلاحیت است، مگر اینکه مطابق با شرایط تعیین‌شده به دست قانون‌گذار یا مطابق با اصول قضایی، اساساً از مصادیق تفویض صلاحیت، خارج نشده باشد.

۲-۱. عدالت‌گستری

از آنجایی که مسئله‌ی این پژوهش، عدالت‌گستری در بستر نظام قضایی است، رسالت پژوهش در نظر گرفتن عدالت اجتماعی به‌منابه یک مبنای وجودی برای نظام قضایی است. بر این اساس، ابتدا به واکاوی مفهوم عدالت اجتماعی پرداخته، سپس به عدالت‌گستری نظام قضایی که ناظر بر مبنای عادلانه بودن نظام قضایی معنا می‌یابد اشاره می‌شود.

۱-۲-۱. مفهوم عدالت اجتماعی

«عدالت» یکی از آمال مهم بشر از ابتدای خلقت تا امروز بوده و «مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می‌شناخته و برای استقرار آن کوشیده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۲۲). شاید زمانی که علی بن ابی‌طالب «عدالت» را به «قرار دادن هر چیز در جای خویش»^۱ و «تدبیر عمومی مردم»^۲ معنا کرده (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷)، تعریف آن به چیزی دیگر امری عبث و بیهوده باشد. مفهوم عدالت در دو ساحت فردی و اجتماعی قابل تبیین است.

۱. العدل یضع الامور مواضعها

۲. العدل سانس عام

عدالت در ساحت فردی به‌عنوان وصف انسان محل بحث قرار می‌گیرد و یک فضیلت در کنار سایر فضائل انسانی است. چنین برداشتی از عدالت موضوع بسیاری از گزاره‌های فقهی در ابواب قضا، شهادت و وکالت قرار گرفته است.

عدالت در ساحت اجتماعی اما به‌عنوان وصف برای نظام اجتماعی به کار می‌رود. اگر نظام اجتماعی متشکل از ساختارها و نهادهای موجود در بستر جامعه معنا شود، تعبیر «عدالت اجتماعی» به همان معنای «عدالت نظام اجتماعی» است که به‌مثابه یک فضیلت برای نهادها و ساختارهای جامعه به کار می‌رود. اندیشمندان علوم اجتماعی مفهوم عدالت اجتماعی را از دریچه‌های فکری متعدد واکاوی کرده‌اند. گروهی عدالت اجتماعی را از رهگذر مطلوبیت‌گرایی تبیین نموده‌اند و نظام اجتماعی عادلانه را آن نظامی می‌دانند که بیشترین مطلوبیت را برای سوژه‌های آن به دنبال داشته باشد و گروهی دیگر عدالت اجتماعی را مرادف با مفهوم استحقاق و شایستگی تفسیر می‌کنند؛ اما برخی دیگر عدالت اجتماعی را از رهگذر مبنای فلسفی قراردادگرایی موضوع بحث قرار می‌دهند. موضوع عدالت اجتماعی در دیدگاه «جان رالز»، فیلسوف برجسته سیاسی معاصر، در قلمرو رهیافت قراردادگرایانه در اثر ارزشمند «نظریه‌ای در باب عدالت» باز روایی شده است. از نظر رالز، موضوع عدالت اجتماعی «به بنیادهای اساسی جامعه» بازمی‌گردد و عدالت اجتماعی «شیوه‌ای است که نهادهای مهم اجتماعی، حقوق و وظایف اساسی را توزیع نموده و چگونگی تقسیم مزایای حاصل از همکاری اجتماعی را تعیین می‌کنند» (Rawls, 2009: 6). در این رهیافت، عدالت اجتماعی بر برابری میان سوژه‌ها تأکید می‌کند. با وجود این، بخشی از نابرابری‌های روا که به سود افراد کم‌برخوردار به منظور جبران تبعیض‌های ناروا تجویز می‌گردد، دارای اعتبار و توجیه است.

۲-۲-۱. عدالت‌گستری قضایی

مفهوم «عدالت‌گستری» را باید در الگوواره عدالت اجتماعی استدرک کرد. بر این اساس، عدالت‌گستری یا توسعه شاخصه‌های عدالت در نظام اجتماعی، زمینه را برای اتصاف نظام اجتماعی به فضیلت عدالت مهیا می‌کند. قوه قضائیه نیز از این امر مستثنا نیست و به‌عنوان یکی از ساختارهای وابسته به رژیم سیاسی، کارکردهای متعددی در حوزه مبارزه با بزهکاری، مرافعه اختلافات، نظارت بر اجرای قوانین و اصلاح

بزهکاران بر عهده دارد. زمانی که این کارکردها وصف قانونی به خود گیرند، برای نظام قضایی «اختیار» یا «صلاحیت» ایجاد می‌کند و نظام قضایی به تبع آن، اقدام به سلب یا تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندان خواهد کرد (Rawls, 2009: 217-218). از سوی دیگر، با عنایت به رویکرد ماهیت‌گرایانه به حقوق انسان، اصل بر عدم محدودیت در اهلیت تمتع و استیفا است و انسان‌ها از تمامی حقوق و آزادی‌های قابل‌تصور برخوردار هستند؛ اما به دلیل تزاخم در استیفای حقوق و اعمال آزادی، توجیهاتی در راستای تحدید یا سلب حقوق و آزادی‌ها به وجود می‌آید. این توجیهات که باید بر مبنای محکم اندیشه‌ای استوار باشد، مشروعیت اقدامات سلب‌کننده یا تحدیدکننده حقوق و آزادی‌های شهروندان را به وجود می‌آورد. بر این اساس، نظام‌های قضایی به دنبال شاخصه‌هایی هستند تا از رهگذر این شاخصه‌ها، توجیهات کافی برای سلب یا تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندان فراهم آورند. با تمرکز بر تحولات اندیشه کیفری، مبنای متعددی از سوی رژیم‌های سیاسی برای اقدامات محدودکننده نظام‌های قضایی وجود دارد. در این میان، مهم‌ترین و استوارترین ارزشی که از سوی رهیافت‌های فکری برای توجیه و مشروعیت‌بخشی اعمال اقتدار نظام قضایی بیان شده است، تحقق عدالت می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۲۴). این ارزش در فقه امامیه نیز از پایه‌های وثیق کلامی و روایی برخوردار است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اتکا بر مبنای کلامی و فقهی، عدالت‌گستری را مبنای نظام قضایی می‌داند. در مقدمه قانون اساسی، نظام قضایی «بر پایه عدل اسلامی» پیش‌بینی شده است. همان‌طور که اشاره شد، در ابتدای اصل ۱۵۶ و در مقدمه بیان صلاحیت‌های قوه قضائیه، «تحقق بخشیدن به عدالت» به‌عنوان مبنای تکوین نظام قضایی بیان شده است. «اصل ۶۱» و «بند ۲» اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز «عدالت‌گستری» را یکی از وظایف این قوه بیان کرده است. فراتر از آن، «اصل ۲» قانون اساسی، بر نقش عدالت‌تکوینی و تشریعی در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید و تأمین «قسط و عدل» را غایت این نظام معرفی می‌کند. در «بند ۹» از «اصل ۳» نیز یکی از وظایف دولت (که اطلاق آن، قوه قضائیه را نیز شامل می‌شود) «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه» بیان شده است.

با عنایت بر تأکیدات موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقصود از عدالت‌گستری، از یک‌سو مستلزم پذیرش مبنای عدالت اجتماعی به‌عنوان مشروعیت اعمال اقتدار قوه قضائیه و اختیارات آن در چارچوب صلاحیت قانونی است و از سوی دیگر تلاش برای تحقق شاخصه‌های عدالت اجتماعی در همه عرصه‌های جامعه می‌باشد (پروین، ۱۳۹۶: ۲۳۸). قوه قضائیه در وضع قوانین کیفری، پیشگیری از بزهکاری، تعقیب و محاکمه بزهکاران و اصلاح آنان، مرافعه میان اختلافات و نظارت بر اجرای قوانین و اعمال سایر صلاحیت‌های قانونی خود، باید توجیهی مبتنی بر نظریه عدالت اجتماعی داشته باشد. علاوه بر آن، اعمال صلاحیت قوه قضائیه نیز باید در چارچوب تحقق عدالت اجتماعی صورت پذیرد. با عنایت بر این دو موقعیت از تفسیر عدالت‌گستری، می‌توان به تبیین دقیق چارچوب صلاحیت‌های قوه قضائیه پرداخت.

۲. صلاحیت‌های نظام قضایی

تشکیلات نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران مانند هر نظام و تشکیلات دیگری در طی ادوار مختلف، دچار تحولات عمیق و اساسی شده است. افزایش سطح علمی افراد، به‌ویژه حقوقدانان و پژوهشگران رشته حقوق، ناکارآمد بودن بعضی از قوانین و مقررات موجود کشور، ایجاد اطاله دادرسی و سایر موارد، موجب نقض و جایگزینی قوانینی شد که در نهایت، به تغییر ساختار قضایی منجر گشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، تغییرات عمیق و اساسی در نظام قضایی حاکم بر ایران ایجاد شد که به‌موجب آن، سیستم قانون‌گذاری در ایران نیز تغییراتی پیدا کرد. از جمله موارد بازنگری، بررسی مسائل مربوط به تمرکز در مدیریت قوه قضائیه بود. دستگاه قضایی بنا به دستور رهبر انقلاب باید ملجأ و پناهگاه افراد باشد؛ یعنی چنانچه افراد مورد ظلم یا ستم دیگران قرار گرفتند، آن‌ها مطمئن باشند که مرکزی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران واقع شده است که اساس کارش، عدالت قضایی برای همگان است و تا زمانی که جمهوری اسلامی پابرجاست، قوه قضائیه موظف است تمام تکالیف و وظایفی که بر عهده‌اش است، به نحو احسن به انجام برساند. این قوه جزء نهادهای نظارتی تلقی می‌شود که هم برای پیشگیری از جرم باید اقدامات و تصمیماتی بگیرد و هم جهت رفع خصومت و شکایت و

تظلم‌خواهی، طبق قوانین و مقررات موجود، پیگیر حقوق تضییع‌شده شهروندان باشد. در واقع، یکی از ارکان نظام حقوقی جمهوری اسلامی، قوه قضائیه‌ای است که در هیچ شرایطی، نباید قوای دیگر در آن دخالتی داشته باشند و حتی فشارهای سیاسی، حزبی یا فشارهای رسانه‌ای از داخل یا خارج از کشور، نباید خللی در روند اقدامات و پیگیری‌های دستگاه قضایی ایجاد نماید.

در ادامه، در راستای تبیین دقیق صلاحیت‌های نظام قضایی در ایران، مطالب ذیل دو بند ارائه می‌شود. در بند نخست، صلاحیت‌های قوه قضائیه مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی تبیین می‌شود. با وجود این، با عنایت بر اهمیت سیاست‌های کلی نظام در سامانه هنجاری نظام حقوقی ایران، صلاحیت‌های مندرج در سیاست‌های کلی برای نظام قضایی بررسی خواهد شد.

۲-۱. صلاحیت به‌موجب قانون اساسی

در مقدمه و اصول مختلف قانون اساسی، به کارکردهای اساسی قوه قضائیه و اهداف امور قضایی در کشور اشاره شده است. متناسب با این کارکردها، صلاحیت نظام قضایی ایران به شرح عناوین ذیل، قابل استخراج است:

۲-۱-۱. مرافعه اختلافات میان اشخاص

به‌موجب اصل ۱۵۶، «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل‌وفصل دعاوی و رفع خصومات» از وظایف قوه قضائیه است. این وظیفه دایر بر حل اختلافات میان اشخاص است و قوه قضائیه در چارچوب قانون داوری و تلاش می‌کند تا ماده نزاع را قلع نماید. این قسمت از وظیفه قوه قضائیه، تفاوت ذاتی قوه از قوای دیگر را بیان کرده که همان «دادرسی» است. موضوع دادرسی از منظر این اصل، بحث «امور ترافیعی» و «امور حسبی» است. در اینجا به مراحل رسیدگی، صدور حکم، حل‌وفصل دعاوی و تصمیم‌گیری و اقدام مقتضی در امور حسبی اشاره شده است. رسیدگی یعنی اعمال ادله اثبات دعوا و مقدمات آن مانند تحریر و توضیح دعوا از جانب مدعی، درخواست توضیح مجدد از مدعی توسط قاضی، در صورت عدم کفایت توضیحات او و درخواست ارائه توضیح از خواننده می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۰۴۸). مسئله صدور حکم نیز یکی از مراحل دادرسی بوده که مرجع دادرسی،

اظهارنظر خود را در مورد موضوع مورد شکایت، اعلام و به اختلافات، خاتمه می‌دهد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸: ۸۵۸). در راستای این صلاحیت، استقلال نظام قضایی (مطابق اصل ۱۵۶)، به‌عنوان یکی از اصول مهم در قوه قضائیه تأکید شده است که بدون توجه به آن، اجرای عادلانه مراعات در این کارکرد ممکن نیست. در اصل ۱۵۶، مفهوم استقلال اعم از استقلال شخصی و ساختاری است. به همین دلیل، ضمن آنکه مقامات قضایی باید مستقل باشند، ساختار نظام قضایی نیز باید از سایر قوا استقلال داشته باشند تا بدون هرگونه دخالت و تأثیرپذیری از سایر اشخاص و ساختارها، به وظایف خود اتمام داشته باشند (پورحسین شقلان، ۱۳۸۶: ۵۸).

۲-۱-۲. سیاست‌گذاری کیفری، اجرا و نظارت بر آن

یکی از مهم‌ترین کارکردهای قوه قضائیه، مواجهه با پدیده جنایی است. نحوه این مواجهه طیف گسترده‌ای از اقدامات نظیر قانون‌گذاری کیفری، پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرم، تعقیب بزه‌کاران و محاکمه آنان و اتخاذ راهبردهای اصلاح و درمان است. در مقدمه قانون اساسی، «پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی» به‌مثابه یکی از وظایف نظام قضایی بیان شده است. بندهای «۴» و «۵» اصل ۱۵۶ قانون اساسی به این حوزه می‌پردازد. در ادامه، به این موارد اشاره می‌شود:

۲-۱-۲-۱. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمان

به‌موجب «ماده ۱۸» قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «تعزیر» مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و بر اساس قانون، در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی، تعیین و اعمال می‌شود. مطابق با «ماده ۱۵» قانون مجازات اسلامی، «حد» عبارت است از مجازاتی که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است و مطابق با «ماده ۲»، هر رفتاری که اعم از فعل یا ترک فعل، صورت گرفته باشد و در قانون، برای آن رفتارها، مجازاتی معین شده باشد.

۲-۲-۱-۲. قانون‌گذاری کیفری

«حقوق جزای اسلامی» عبارت است از مجموعه قواعدی همگانی و همیشگی که شریعت اسلام برای پیشگیری از وقوع جرم و تأمین سلامت و صیانت مردم و برقراری عدالت و حفظ نظم و امنیت در جامعه به وسیله قرآن و سنت اسلامی مقرر داشته است (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۱۲). به همین منظور، مقررات مدون جزایی اسلام را باید جزء مقرراتی دانست که از حقوق جزای اسلامی گرفته شده و در قوانین موضوعه مصوب مجلس شورای اسلامی بدان تصریح و تأکید شده است. (محشای قانون اساسی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۳۴۰-۳۴۱)

۲-۱-۲. راهبردهای پیشگیرانه از بزهکاری

پیشگیری از وقوع جرم، در دو مفهوم خاص و عام به کار برده می‌شود. اثری که مجازات در بازدارندگی مجرم از اقدام مجدد به ارتکاب جرم دارد، پیشگیری خاص است که در این نوع پیشگیری سعی می‌شود با تحمیل مجازات بر مجرم و تنبیه او و رنج و سختی حاصل از مجازات، از ارتکاب مجدد همان جرم یا جرائم دیگر دوری کند. لذا جلوگیری از تکرار جرم و ایجاد ترس، هدف پیشگیری خاص خواهد بود (بیات، ۱۳۸۷: ۳۹). پیشگیری عام شامل هر نوع تدبیر و اقدام واکنشی (کیفری) و کنشی (غیر کیفری) است که از ارتکاب جرم افراد جلوگیری خواهد کرد. این نوع از پیشگیری، پیشگیری جرم‌مدارانه است و محور آن بر نقش بازدارندگی، ارباب و عبرت‌آموزی کیفری برای عموم مردم می‌باشد (محشای قانون اساسی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۳۴۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲-۱-۲.۴. اصلاح بزهکاران

اصلاح مجرمین ناظر به پیشگیری کیفری از بزهکاری است که در قالب ملاحظه شخصیت مرتکب جرم در فرایند عدالت کیفری به منظور متناسب ساختن پاسخ کیفری با نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی او صورت می‌پذیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۸). به همین منظور قاضی می‌تواند از نهادهای مختلفی برای تخفیف مجازات بهره ببرد. مقصود از این کار، بازگشت بزهکار به جامعه و اصلاح اجتماع به وسیله قوه قضائیه است (محشای قانون اساسی، جلد ۲، ۱۳۹۹: ۳۴۱).

۲-۱-۳. نظارت قضایی

بر اساس «بند ۳» اصل ۱۵۶، نظارت قضایی بر اجرای قوانین، یکی از مهم‌ترین صلاحیت‌های قوه قضائیه در ایران است. اطلاق عبارت مقرر در قانون اساسی تمامی قوانین و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی را در بر می‌گیرد. «اصل ۱۷۴» قانون اساسی نیز این صلاحیت را به سازمان بازرسی کل کشور در بستر نظام قضایی واگذار می‌کند. این وظیفه از اقدامات مهم قانون‌گذار اساسی بوده که در جهت تحقق حاکمیت قانون در تمام دستگاه‌های اداری تنظیم شده است؛ چراکه وضع قانون به‌تنهایی ضامن حاکمیت آن بر همهٔ امور نیست و علاوه بر آن، مستلزم نظارت مؤثری بر اجرای قانون است. به همین جهت، سازمان بازرسی کل کشور در راستای تحقق حاکمیت قانون در نظام حقوقی ایران، نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری تأسیس شده است (محشای قانون اساسی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۴۳۴). همچنین «دیوان عدالت اداری» (به‌موجب اصل ۱۷۳) و «دیوان عالی کشور» (به‌موجب اصل ۱۶۱) نیز موظف به اعمال نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، تصمیمات و اقدامات مأموران یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و محاکم دادگستری هستند.

البته تکلیف قضات به عدم اجرای مقررات مغایر با قوانین که در «اصل ۱۷۰» قانون اساسی مقرر شده است، یکی از نمونه‌های نظارت بر حسن اجرای قوانین در نظام حقوقی کشور محسوب می‌شود. (محشای قانون اساسی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۳۳۷). یکی دیگر از مصادیق نظارت قضایی، «اخطار و تذکر» توسط قوه قضائیه است؛ چنانچه در نظر تفسیری «شماره ۴۲۰۹» مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۵ شورای نگهبان نیز بیان شده است، قوه قضائیه برحسب بند ۳ اصل ۱۵۶، بر حسن اجرای قوانین نظارت دارد. به‌موجب این اصل، قوه قضائیه می‌تواند در موارد تخلف از اجرای قوانین، به مقامات مسئول اخطار بدهد و مقامات مسئول نیز موظف‌اند به اخطار و تذکرهای قوه قضائیه که به‌موجب «اصل ۱۷۴» قانون اساسی انجام می‌گیرد توجه کند و در صورت عدم توجه، تخلف آن‌ها محرز خواهد بود. (محشای قانون اساسی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۳۳۹) با این حال باید توجه داشت که ایفای صلاحیت نظارتی قوه قضائیه مستلزم دور بودن از هر نوع مناسبات ناسالم است که این امر، در مقدمۀ قانون اساسی مورد

تأکید واقع شده است. قوه قضائیه باید هم از لحاظ جهت‌گیری سیاسی، هم از ارتباط با سایر قوا و هم از منظر اداره داخلی، فارغ از هرگونه فساد و روابط غیرقانونی و نامشروع باشد. قوه قضائیه نمی‌تواند با اقدامات غیرقانونی یا شبهه‌ناک، در جامعه عدالت‌گستری کند. همچنین مبراً بودن قوه قضائیه از مسائل حاشیه‌ای سیاسی، از مسائل اخلاقی، از مسائل حقوقی مانند اختلاس یا نفوذ، می‌تواند جنبه مستقل بودن دستگاه را قوت ببخشد.

۲-۱-۴. صیانت از حقوق عمومی

یکی از کارکردهای اساسی نظام قضایی، دفاع از حقوق شهروندان است. ابتدای اصل ۱۵۶ قانون اساسی، «پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی» را یکی از صلاحیت‌های قوه قضائیه معرفی می‌کند. حقوق فردی و اجتماعی در معنای عام شامل تمام ابعاد حقوق انسانی اعم از شخصی، خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین سند و میثاق ملی، در اصول مختلفی به چنین حقوقی اشاره نموده و قوه قضائیه را مسئول پشتیبانی از آن حقوق دانسته است (محشای قانون اساسی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۳۳۴). منتها پاسداری و حمایت، نباید در چارچوبی مغایر با موازین حق و عدالت باشد. به همین دلیل در مقدمه قانون اساسی، «پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی» یکی از صلاحیت‌های قوه قضائیه معرفی شده است. «بند ۲» اصل ۱۵۶ با بیان «احیای حقوق عامه»، یکی از مهم‌ترین صلاحیت‌های قوه قضائیه را برمی‌شمارد. مسئولیت احیای حقوق عامه، ناظر به وضعیتی است که علی‌رغم پیش‌بینی وظایف و مسئولیت‌ها برای سازمان‌ها و نهادهای عمومی، اقدام کافی و مناسبی نسبت به حقوق فردی و اجتماعی در زمان مقرر انجام نشده باشد. دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه در تاریخ ۱۳۹۷ توسط رئیس قوه قضائیه تصویب شد که به‌منظور صیانت از حقوق عامه و حفظ بیت‌المال و همچنین بر اساس وظیفه ذاتی قوه قضائیه در مسئله احیا، حفظ و صیانت از حقوق عامه و در جهت پیگیری و نظارت بر دعاوی ناظر بر جرائم مرتبط با اموال، منافع و مصالح ملی و جبران خسارات وارده به حقوق عمومی، به استناد بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و مطابق با مواد «۲۲»، «۲۹۰» و «۲۹۳» قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حسب مورد دادستان کل کشور، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی

کل کشور و دادستان‌های سراسر کشور، مکلفانند در چهارچوب این دستورالعمل اقدام نمایند (محشای قانون اساسی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۳۳۵-۳۳۶). طبق «ماده ۱» این دستورالعمل، این حقوق شامل حقوقی است که در قانون اساسی، قوانین موضوعه یا سایر مقررات لازم‌الاجرا، ثابت بوده و اجرا نشدن یا نقض آن، نوع افراد یک جامعه مفروض مانند افراد یک شهر، منطقه، محله و صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد یا موجب فوت منفعت یا تضرر یا سلب امتیاز آنان می‌شود؛ از قبیل آزادی‌های مشروع، حقوق زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت عمومی، فرهنگ عمومی و میراث فرهنگی، انفال، اموال عمومی و استانداردهای اجباری.

گسترش عدل و آزادی‌های مشروع نیز از مصادیق حقوق عامه است که به دلیل اهمیت وافر آن، در اصل ۱۵۶ مجدداً بدان تأکید شده است. بر اساس «اصل ۹» قانون اساسی، «هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران، کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.» منظور از عدل در اینجا، به یک نوع عدل قضایی شبیه است؛ یعنی با فصل خصومت و رفع اختلاف‌های طرفین شکایت و ختم رسیدگی، حکم به عدل داده می‌شود و گسترش پیدا می‌کند. اگر قاضی، حکم عادلانه‌ای صادر کند، هم طرفین شکایت به خواسته خود می‌رسند و هم در جامعه، طنین عدالت نواخته خواهد شد. آزادی‌های مشروع حتی با وضع قانون نیز میسر نخواهد بود، چراکه هر کسی در نظام جمهوری اسلامی می‌تواند در چارچوب قانون، آزادی و عمل داشته باشد و سلب آن، نیازمند دلیلی متقن یا محکمه‌پسند است.

۲-۲. صلاحیت به موجب سیاست‌های کلی

در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه، مواردی در بخش قضایی یا حقوقی ذکر شده است، اما فقط دو مورد از سیاست‌های کلی نظام، راجع به امور قضایی کشور اختصاص پیدا کرده که مهم‌ترین آن‌ها، «سیاست‌های کلی امنیت قضایی» ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ توسط آیت‌الله خامنه‌ای است. بند نخست این سند، به رویکرد عدالت‌محوری ساختار نظام قضایی تأکید می‌کند و به «اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین

عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی» حکم می‌دهد. «بند ۴» این سیاست، بر اهمیت رسیدگی تخصصی به دعاوی اشاره می‌کند که مستلزم بازنگری در ساختار قوه قضائیه در مواجهه با جرائم نوین و مهم در کشور است. در حال حاضر، بخش زیادی از توان قوه قضائیه مصروف امور غیر قضایی و صلاحیت‌های مندرج در قانون اساسی می‌شود. در نقطه مقابل نیز برخی نهادهای غیر قضایی اقدام به تصمیم‌گیری قضایی می‌نمایند. «بند ۵» این سند با تأکید بر «تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضائیه»، به اهمیت تمرکز صلاحیت‌های قضایی در نظام قضایی اشاره دارد که مبنای این تأکید، مشروعیت مقام اصدار حکم و لزوم مآذونیت آن از جانب ولی فقیه است. از سوی دیگر، بر اساس مفهوم مخالف این امر، آن دسته از امور غیر قضایی که در ساختار قوه قضائیه قرار گرفته است، باید به نهادهای مرتبط واگذار شود و نظام قضایی صرفاً به ایفای صلاحیت‌های شرعی و قانونی خود مبادرت ورزد. این سند، ضمن تأکید بر لزوم توجه به برخی صلاحیت‌های اساسی قوه قضائیه، نظیر اصلاح و تقویت وظیفه نظارت قضایی «بند ۸» و قانون‌گذاری قضایی «بند ۱۵»، به صلاحیت‌های جدیدی برای قوه قضائیه اشاره می‌کند. مهم‌ترین این موارد، لزوم آموزش، پژوهش و توانمندی علمی و اخلاقی قضات، ضابطان و کارکنان نظام قضایی و نظارت بر آنان از حیث علمی، شایستگی شخصیتی و اخلاقی و توانایی در اجرای وظایف خود (بند ۱۰، ۱۱ و ۱۳) است. این موضوعات مستلزم تشکیل ساختاری مناسب در حوزه سرمایه انسانی نظام قضایی است که همه اشخاص مرتبط با قوه قضائیه، حتی ضابطان دادگستری را در بر گیرد. با این حال، این سند با اشاره بر سیاست‌های تغییر مسیر در مرافعات و فرایندهای کیفری، نظام قضایی را به سمت ابزارهای جایگزین قضایی تشویق می‌نماید. «بند ۹» این سیاست بر روش «داوری و حکمیت» در مرافعات تأکید می‌کند. «بند ۱۴» نیز با اشاره به چهار راهبرد تغییر مسیر، یعنی حبس‌زدایی، کیفرزدایی، جرم‌زدایی و قضا‌زدایی، سیاست‌گذاری کیفری را به سمت روش‌های جایگزینی نظیر تعلیق تعقیب، تعلیق محاکمه، تعلیق مجازات، آزادی مشروط، جایگزین‌های حبس، نظام نیمه آزادی و تعویق صدور حکم سوق می‌دهد. با مراجعه به سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه سوم تا هفتم، همواره بخشی از این سیاست‌ها به توسعه حقوقی و قضایی اختصاص یافته

است. محور اصلی این سیاست‌ها بر ارتقای سرمایه انسانی، استفاده از فناوری‌های نوپهور در امور حقوقی و قضایی، استفاده از راهبردهای تغییر مسیر و ارتقای ساختار قوه قضائیه در راستای تحقق عدالت اجتماعی و صیانت از حقوق و آزادی‌های عمومی استوار است. با این حال، قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه که باید در راستای تحقق این سیاست‌ها تدوین شود، همواره نسبت به آن مغفول بوده و بخش زیادی از سیاست‌های توسعه حقوقی و قضایی نادیده گرفته می‌شود.

۳. الگوی مطلوب صلاحیت‌های نظام قضایی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

در گفتار پیشین، چارچوب هنجاری صلاحیت‌های نظام قضایی ایران با تمرکز بر قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام بیان و صلاحیت‌های قوه قضائیه شمرده شد. در این گفتار، با تمرکز بر آرا و نظریات آیت‌الله خامنه‌ای، ضمن بازخوانی صلاحیت‌های نظام قضایی، بایسته‌های آن نیز ارائه می‌گردد. از این رهگذر می‌توان شاخصه‌های الگوی مطلوب صلاحیت‌های نظام قضایی را استخراج کرد و مبتنی بر آن، به ارزیابی صلاحیت‌های قوه قضائیه پرداخت.

۳-۱. شاخصه‌های مطلوب جهت ترسیم صلاحیت‌های نظام قضایی

برای ترسیم صلاحیت‌های نظام قضایی ضرورت دارد شاخصه‌هایی شناسایی شود که به‌موجب آن می‌توان کارکردهای نظام قضایی را احصا کرد. در ادامه، با تمرکز بر رهنمودهای حقوقی-قضایی آیت‌الله خامنه‌ای این شاخصه‌ها معرفی می‌شود.

۳-۱-۱. مبارزه با فساد و صیانت از امنیت

آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۸۰، درباره اهمیت مبارزه با مفاسد اقتصادی و حمایت از نظام اقتصادی، دستوراتی موسوم به «فرمان هشت ماده‌ای مبارزه با فساد اقتصادی» صادر کردند. اهمیت نظام اقتصادی و لزوم مبارزه با فساد اقتصادی، در این فرمان مشخص شده است: «امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است و این همه به فضایی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده

کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدها و انحصارجو، طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نومییدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۲/۱۰) ایشان در مطلب دیگری، مسئله اساسی فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران را یادآور می‌شوند: «مفاسد اقتصادی، جریان آلوده‌ای است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، کل فضا را آلوده خواهد کرد. بحث یک جرم منفرد و تک افتاده نیست؛ برخورد با مفاسد اقتصادی برای نظام اهمیت حیاتی دارد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۱/۴/۵).

مطابق با بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، صیانت از امنیت اقتصادی و مبارزه با مفاسد، یکی از مهم‌ترین وظایف اصلی قوه قضائیه است. ایشان در دیدار با مسئولان قضایی، بر اهمیت امنیت به‌مثابه یک ارزش اجتماعی تأکید داشته و بیان کرده‌اند: «دادن امنیت به مردم یک پایه مهمش روی دوش قوه قضائیه است. چه امنیت اجتماعی، چه امنیت اقتصادی، چه امنیت اخلاقی، چه امنیت حیثیتی. درست است که دستگاه‌های گوناگون اجرایی هر کدام به نحوی در این کارها با قوه قضائیه شریک‌اند - مثلاً در امنیت اجتماعی، دستگاه‌های انتظامی با قوه قضائیه شریک‌اند و باید استقرار امنیت کنند- اما نقش قوه قضائیه در اینجا چیست؟ این است که آن کسی که متجاوز است، از سوی قوه قضائیه آن‌چنان با او برخورد شود که مایه عبرت شود. یا درست است که مسئولان استقرار امنیت اقتصادی غالباً در دستگاه‌های اجرائی‌اند - وزارتخانه‌های اقتصادی و دستگاه‌های پولی و بانکی- و این‌ها مسئول‌اند؛ اما نقش قوه قضائیه این است که اگر در مجموعه این عملکردها و تعامل این دستگاه‌ها با مردم، مفسد اقتصادی به وجود آمد، قوه قضائیه آن‌چنان با او برخورد کند که برخوردش موجب عبرت برای کسانی باشد که دستگاه اقتصادی را به فساد می‌کشاند. این، خود یک عامل مهم در ایجاد امنیت اقتصادی است.» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۶/۴/۷). مطابق با ره‌نمودهای ایشان، قوه قضائیه نقش اساسی و مهم در

مواجهه با اقدامات علیه امنیت و آسایش عمومی جامعه را دارد. در صورتی که قوه قضائیه این وظیفه خود را درست انجام ندهد، خطر این دسته از کنش‌ها کاهش می‌یابد و مخلان امنیت جامعه، با انگیزه بیشتری اقدامات خود را مرتکب می‌شوند. ایشان در جای دیگر وجود مفساد اقتصادی و اخلال در امنیت اقتصادی را امری بدیهی می‌دانند که اگر قوه قضائیه نتواند با آن اقدامات مبارزه مؤثر داشته باشد، به معنای ناکارآمدی نظام است: «یکی از وظایف امروز آقایان، مبارزه با فساد است ... من محاکمات جنجالی این روزها را جزو افتخارات نظام می‌دانم. وجود فساد تعجب‌آور نیست؛ مبارزه نکردن با فساد تعجب‌آور است. این محاکمات معنایش این است که نظام جمهوری اسلامی با هیچ‌کس رودربایستی و شوخی ندارد و هر انگیزه فساد را در هر جا ببیند سرکوب می‌کند» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۷۴/۶/۸).

همچنین، از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، مسئولیت اصلی مبارزه با فساد اقتصادی بر عهده قوه قضائیه است. از یک سو، قوه قضائیه باید با فساد اقتصادی در دستگاه‌های اجرای و بخش‌های دیگر مبارزه کند؛ از سوی دیگر وظیفه مقابله با مفساد موجود درون قوه قضائیه را بر عهده گیرد: «مبارزه با فساد، هم در درون قوه محل کلام است، هم بیرون قوه؛ لکن اولویت با درون قوه است. خب، هزاران قاضی شریف و پاک‌دامن و کارمندان امین در سراسر قوه دارند کار می‌کنند، تلاش می‌کنند؛ یک عنصر ناباب در یک دادگستری‌ای در یک شهری پیدا می‌شود، یک حرکتی انجام می‌دهد، این روان‌های پاکیزه شریف را بدنام می‌کند... نسبت به فساد درون قوه قضائیه سخت‌گیری کنید. علتش هم این است که این [قوه]، مسئول رفع فساد است؛ اگر خودش فاسد شد، گناه او نابخشودنی است» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۹۸/۴/۵) لزوم مبارزه با فساد درون خود قوه قضائیه از فرمان هشت ماده‌ای ایشان نیز برداشت می‌شود: «کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می‌خواهد با ناپاکی دریفتد باید خود پاک باشد و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند» (خامنه‌ای، مکتوبات: ۱۳۸۰/۲/۱۰).

۳-۱-۲. تحقق عدالت اجتماعی

شاخصه مهم دیگری که می‌توان از رهگذر آن، صلاحیت نظام قضایی را از منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای استخراج کرد، تلاش قوه قضائیه در راستای مبارزه با تبعیض‌های ناروا و تحقق عدالت در جامعه است. ایشان یکی از وظایف قوه قضائیه را تحقق عدالت اجتماعی می‌دانند: «من یک عقیده جدی دارم که بحث "عدالت اجتماعی" باید تعقیب شود. منتها آن کسی که باید تعقیب کند، بنده نیستم؛ دستگاه‌های قضایی و دستگاه‌های دولتی هستند که بایستی دنبال کنند» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۷۸/۹/۱). بر این اساس، به نظر می‌رسد قوه قضائیه در اجرای قضایی قانون و در فرایند قانون‌گذاری در حوزه قضایی، نقش مؤثری داشته باشد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «ما کاری نکنیم که شمول قوانینی که قضاوت بر اساس آن‌ها انجام می‌گیرد، نسبت به همه افراد یکسان باشد و تبعیضی وجود نداشته باشد» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۷۰/۴/۵) ایشان در مورد رعایت عدالت و عدم تبعیض در قانون‌گذاری قضایی، تأکید می‌کنند: «دستگاه قضا باید کوشش کند که ... به سمت کمال دستگاه و سیستم قضا و تشکیلات قضایی پیش برود و این نمی‌شود، مگر با رعایت کامل ضوابط و موازین اسلامی در امر تأمین عدالت که یکی از عمده‌ترینش عبارت از عدم تبعیض در شمول قانون کشور و قوانین قضایی است» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۷۰/۴/۵) و فراتر از آن، به تصریح ایشان، قوه قضائیه علاوه بر آنکه باید اجرای عادلانه قانون را ممشای خود قرار دهد، لازم است این رویه را به میزانی فراگیر کند که بر ساخت عادلانه از قوه قضائیه در نگرش مردم ایجاد شود: «قوه قضائیه باید به جایی برسد که هرکسی در هر نقطه‌ای از کشور دچار یک مظلمه‌ای شد، یک شکایتی پیدا کرد از کسی یا دستگاهی، خودش را نوید بدهد به اینکه می‌روم به قوه قضائیه مراجعه می‌کنم؛ یعنی خاطر جمع باشد که به مجرد اینکه به قوه قضائیه مراجعه کرد، مشکل حل خواهد شد؛ ما باید به اینجا برسیم؛ یعنی آنچه هدف است، این است؛ [قوه قضائیه] مظهر عدالت باید باشد» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۹۷/۴/۶). ایشان همچنین درباره اهمیت نگرش عمومی راجع به عادلانه بودن رویه‌های قضایی تأکید کرده‌اند: «اگر شما به ذهنیت عامه مردم و به ذهنیت اسلامی نگاه کنید می‌بینید که توقع از

قوه قضائیه این است که عدالت در زندگی مردم ملموس شود؛ عدالت را حس کنند و این [احساس عدالت] عمومیت پیدا کند» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۸۳/۴/۷).

۳-۱-۳. پیشگیری از وقوع بزهکاری

آیت‌الله خامنه‌ای به دلیل اهمیت پیشگیری از وقوع بزهکاری، رهنمودهایی را به مقامات قوه قضائیه بیان و تلاش کرده‌اند فرایند پیشگیری از جرم را تبیین کنند: «مسئله پیشگیری خیلی مهم است. پیشگیری یک کار بسیار وسیعی است؛ باید جرم را بشناسید، علل جرم را بشناسید، عواملی که جرم را ایجاد می‌کنند بشناسید، کارهایی را که می‌تواند از وقوع جرم جلوگیری کند، بشناسید» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۹۸/۴/۵). ایشان با استناد به قانون اساسی، پیشگیری از وقوع جرم را وظیفه قوه قضائیه می‌دانند: «پیشگیری از وقوع مفسده هم به عهده قوه قضائیه است. به قانون اساسی مراجعه کنید؛ ملاحظه کنید، یکی از وظایف قوه قضائیه در قانون اساسی همین پیشگیری است. خوب، پیشگیری ابزارهای لازم خودش را دارد، دستگاه‌های متناسب خودش را دارد. پیشگیری با استفاده از ضابطین قضایی هم احیاناً خواهد بود؛ از جمله دستگاه‌های امنیتی، از جمله دستگاه‌های اطلاعاتی. از همه این‌ها باید در پیشگیری استفاده شود» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۸۷/۴/۵). با توجه به اهمیت راهبردهای پیشگیرانه در قبال آسیب‌های اجتماعی، ایشان بارها در دیدارهای مختلف به ضرورت بازسازی نظام پیشگیری از جرم در قوه قضائیه و استفاده از ظرفیت‌های مردمی در این خصوص تأکید داشته‌اند. بی‌توجهی به نقش مردم در فرایند پیشگیری عملاً منجر به بی‌اثر شدن اقدامات پیشگیرانه خواهد شد.

۳-۲. بایسته‌های عادلانه صلاحیت‌های نظام قضایی

در مطالب پیش‌گفته، سه شاخصه مهم در تعیین صلاحیت‌های نظام قضایی بیان شد. شاخصه نخست در راستای اولویت اساسی جامعه ایران بود. شاخصه دوم در راستای مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی قابل برداشت بود و شاخصه سوم مبتنی بر یک عقلانیت جامع‌نگر در مواجهه با پدیده نابهنجاری. در ادامه، بایسته‌های عملی تحقق این شاخصه‌ها در راستای ترسیم صلاحیت‌های نظام

قضایی مطلوب منطبق با مفهوم عدالت گسترتری تبیین می‌شود. وجود این بایسته‌ها، زمینه‌ساز تحقق عملی شاخصه‌های یادشده است.

۳-۲-۱. استقلال

اصل استقلال قاضی و استقلال ساختارهای قضایی در اسلام اهمیت بسیار زیادی دارد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز با توجه به اهمیت استقلال نظام قضایی، رهنمودهایی را ارائه می‌دهند: «داشتن عقیده سیاسی، یک چیز قهری و طبیعی است؛ اما مسئولان دستگاه قضا و کسانی که سرنوشت قضایای مشکل مردم در دست آن‌هاست، باید از تزلزل در امور سیاسی و از دخالت دادن گرایش سیاسی در قضا به شدت پرهیز کنند. وابسته شدن به یک جریان سیاسی، به طوری که در عمل مشهود و محسوس باشد و در برخورد‌های گوناگون، خودش را نشان بدهد، دون شأن قوه قضائیه است و مناسب نیست» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۶۹/۴/۴). ایشان با اشاره به مبنای قرآنی استقلال قضایی اظهار می‌کنند: «یکی از چیزهایی که در مجموعه قوه قضائیه لازم است، عبارت است از عدم دخالت حب و بغض‌ها و جریان‌سازی‌های سیاسی در درون قوه قضائیه. یکی از خطرات بزرگ همین است که جوسازی‌های سیاسی اثر بگذارد بر روی مجرای صحیح قضاوت و بر روی ذهن قاضی و بر روی ذهن بازپرس و مجموعه چرخه رسیدگی به پرونده‌ها. این همان "وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی [مائده/۸]" است؛ یعنی احساسات بر شما غلبه نکند؛ دشمنی‌ها در حکم شما و قضاوت شما تأثیر نگذارد» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۸۹/۴/۷).

۳-۲-۲. بی طرفی

بی طرفی در فرایند قضایی یک شاخصه مهم در تحقق قضاوت عادلانه است. در صورتی که بی طرفی مقامات قضایی، کارکنان و حتی ضابطان در ایفای یکی از صلاحیت‌های قوه قضائیه نقض شود، امکان تصور حرکت نظام قضایی به سمت عدالت اجتماعی منتفی است. امام خمینی (ره) با تأکید بر بی طرفی قضایی، به این مسئله توجه داشتند: «قاضی باید قسی‌القلب باشد و تحت تأثیر واقع نشود. ... این دستوری است برای همه ماها که اگر شخصی در مسند قضا نشست، باید همه ملت نزد او با یک نظر باشد. تمام نظرش به اجرای عدالت باشد. عدالت، در دشمنش هم به طور

عدالت، در دوستش هم به‌طور عدالت. نه اینجا مسامحه کند و نه آنجا سختگیری کند ... باید در هر جا که باشید و هر مطلبی که پیش شما بیاید، هر قضاوتی که پیش شما بیاید، به‌طور حق، به‌طور عدالت [قضاوت کنید]، حتی یک مجرم درجه اول وقتی که آمد، روی حق و عدالت به آن نظر بکنید و حکمی که صادر می‌کنید یک حکم عادلانه باشد که در محضر حق تعالی که وارد می‌شوید، مورد اشکال نباشید و روسفید باشید» (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱۳: ۱۱۰-۱۱۷). بر این اساس، قوه قضائیه علاوه بر آنکه در مراعات باید بی‌طرفی را رعایت کند، در ایفای سایر صلاحیت‌های خود نیز باید بی‌طرف باشد.

۳-۲-۳. توجه به افکار عمومی و نقش مردم

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، موفقیت نظام قضایی منوط به دو عامل مهم است: «در هر نظامی، قوه قضائیه حل‌وفصل‌کننده اختلافات و حاکم‌کننده عدل در مقابل ظلم و تجاوز و فساد و این‌هاست. قوه قضائیه به دو عامل نیاز دارد تا بتواند موفق باشد: یکی قدرت و اقتدار؛ دوم، اعتماد؛ یعنی مردم باید به او اعتماد داشته باشند. قوه قضائیه این دو چیز را نیاز دارد» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۹۰/۴/۶). توجه به مسئله اعتماد عمومی، جایگاه مردم در فرایندهای قضایی را حائز اهمیت می‌سازد. ایشان جایگاه مردم در نظام قضایی مطلوب را به این صورت تبیین می‌کنند: «در نظام اسلامی، مردم همه‌کاره و صاحب‌حق‌اند و قوه قضائیه بازوی قدرتمندی است که باید هر جا انحرافی از مسیر عدالت روی داد با قاطعیت حق مردم را بستاند و عدالت را جاری سازد» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۸۳/۴/۷) و فلسفۀ وجود قوه قضائیه و اقدامات کارکنان آن را با محوریت مردم ترسیم می‌کنند: «مجموعه قوه قضائیه، همه این فعالیت‌ها را برای این انجام می‌دهد که بتواند جایگاه شایسته و سزاوار خود را در جامعه اسلامی، در عمل مردم، در واقعیت زندگی و در ذهن مردم پیدا کند. مردم در کنار قوه قضائیه احساس امنیت کنند» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۸۷/۴/۵). ایشان با تأکید بر احساس رضایتمندی و عادلانه بودن رویه‌های قضایی، اهمیت توجه به احساسات عمومی در فرایندهای قضایی را نیز متذکر می‌شوند: «اگر در حل‌وفصل قضایی که به قوه قضائیه مراجعه می‌شود، رسیدگی دقیق، قاطع و عادلانه کار انجام گیرد، این احساس تا حدود زیادی در مردم به وجود خواهد آمد که احساس کنند قوه قضائیه ملجأ

آن‌هاست. این احساس باید به مردم دست دهد؛ یعنی مردم بفهمند که قوه قضائیه متکفل استقرار عدالت است» (خامنه‌ای: بیانات: ۱۳۸۷/۴/۵).

۴. نتیجه‌گیری

نظام قضایی مطلوب یا کارآمد، باید پیوسته در جست‌وجوی استخراج و به‌کارگیری دستاوردهای جدید و ایجاد تحول در نظام دادرسی وضعیت موجود باشد. وجود یک نظام قضایی بی‌طرف، سالم، مستقل و کارآمد که بتواند از حقوق ملت در تمامی عرصه‌ها و زمینه‌ها در مقابل قدرتمندان سیاسی، مدیران عالی‌رتبه بخش عمومی، افراد بانفوذ اقتصادی و قانون‌شکنان و بزهکاران دفاع کند و متجاوزان به جان و اموال مردم را از تعدی به حقوق همه افراد جامعه بازدارد، یکی از پیش‌نیازهای رشد و پیشرفت جوامع انسانی است و وجود این جوامع توسعه‌یافته، بدون ایجاد نظام قضایی مطلوب ممکن نیست. دستگاه قضایی به دلیل حساسیت‌هایی که وجود دارد و همچنین به‌واسطهٔ مکتبی بودن و تحقق بخشیدن به عدالت اسلامی و صیانت از حقوق و آزادی‌های مشروع مردم، لزوماً باید منطبق با معیارهای شرعی و اسلامی باشد. جهت دستیابی به الگوی مطلوب نظام قضایی، الزاماً باید به موازین اسلامی متمسک شد و متناسب با ظرفیت موجود راه‌حل مفید، شایسته و راهگشا برای برون‌رفت از چالش‌های نظام قضایی ارائه داد. مسلماً جهت شناسایی موازین اسلامی باید با شرع مقدس یا ابواب فقهی مرتبط با حوزهٔ قضا، آشنایی کافی داشت تا مسائل مستحدثه قضایی را از لابه‌لای فقه و شریعت اسلامی استخراج کرد. صلاحیت‌های قوه از منظر اصل ۱۵۶ قانون اساسی، شامل «حمایت و صیانت از حقوق فردی، حمایت و صیانت از حقوق اجتماعی، تحقق عدالت قضایی، پیشگیری از جرم، رسیدگی و صدور حکم، اصلاح مجرمین، احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» است. در مورد صلاحیت‌ها از منظر نظام قضایی مطلوب می‌شود گفت چنانچه برخی از مفاهیم، در قوانین و مقررات دیگر، تعریف و تبیین حقوقی نشده، این کار باید صورت بگیرد تا فهم درست از این‌ها، منجر به شناخت بهتر وظیفه و تکالیف قوه گردد. دوم اینکه، به‌واسطهٔ تصریح موارد پنج‌گانه در اصل مذکور، نمی‌توان صلاحیت‌ها را کاهش یا

افزایش داد، ولی می‌توان اختیارات قوه قضائیه و رئیس قوه قضائیه را افزایش داد. از این نقطه می‌توان مسئله اساسی پژوهش را پاسخ داد. همان‌طور که به‌صورت پراکنده در قانون مورد اشاره قرار گرفته است، عدالت‌گستری و تحقق عدالت اجتماعی، یکی از مهم‌ترین غایت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران و ارکان آن به‌شمار می‌رود. بر این اساس، توجه به صلاحیت‌های نظام قضایی مندرج در قانون اساسی، باید از این دریچه مورد توجه قرار گیرد.

در رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای نیز توجه به جایگاه عدالت اجتماعی به‌فرایند و ساختارهای قضایی تأکید شده است. به همین دلیل باید در راستای تفسیر عدالت‌گرایانه از صلاحیت‌های نظام قضایی، منظومه فکری ایشان را مجدداً بازخوانی کرد. در اندیشه ایشان، تفسیر عدالت‌گرایانه از صلاحیت‌های نظام قضایی مطلوب مستلزم تمرکز بر سه حوزه است: نخست توجه به امنیت (در همه حوزه‌ها) و لزوم مبارزه با فساد و اقدامات مخل امنیت (اعم از امنیت اقتصادی، امنیت عمومی، اجتماعی و سیاسی)؛ دوم، اقدام در جهت مبارزه با تبعیض و رعایت عدالت و برابری در رویه‌ها؛ سوم، اولویت دادن به فرایندهای پیشگیرانه. بر این اساس، صلاحیت‌های مندرج در اصل ۱۵۶ قانون اساسی نظیر احیای حقوق عامه، نظارت بر اجرای قانون، پیشگیری و اصلاح بزهکاران، باید در راستای این سه شاخصه تفسیر و اولویت‌بندی شوند.

همچنین، آیت‌الله خامنه‌ای در راستای این رهنمودها بایسته‌هایی را ترسیم کرده‌اند تا از رهگذر آن، اعمال صلاحیت‌های قوه قضائیه به‌صورت عادلانه صورت گیرد. مهم‌ترین این بایسته‌ها که در راستای تحقق عدالت اجتماعی از مسیر اعمال صلاحیت‌های قوه قضائیه است، رعایت کامل استقلال مقام قضایی و مدیریت قوه قضائیه، بی‌طرفی کنشگران فعال در عرصه قضایی، توجه به افکار عمومی و برجسته کردن نقش مردم در مدیریت فرایند قضایی است. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش نمود تا مختصات تفسیر عدالت‌گرایانه از صلاحیت‌های نظام قضایی مطلوب را در دو بعد شاخصه‌ها و بایسته‌ها ارائه دهد. هر یک از این شاخصه‌ها و بایسته‌ها مستلزم تفصیل محتوایی در پژوهش‌هایی مجزا است که با توجه به محدودیت‌های قالبی این پژوهش، امکان آن میسر نیست.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- سیاست‌های کلی امنیت قضایی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ مقام معظم رهبری.
- فرمان هشتم ماده‌ای مقام معظم رهبری به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۰.
- انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی (۱۳۸۸). دانشنامه حقوق خصوصی. تهران: جنگل جاودانه.
- بیات، بهرام (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور (پیشگیری اجتماعی از جرم). تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، اداره کل معاونت اجتماعی.
- پروین، خیرالله (۱۳۹۶). الزامات و آموزه‌های حقوق اساسی. ج ۲، تهران: میزان.
- پورحسین شقلان، شکور (۱۳۸۶). استقلال قضایی از منظر اسناد بین‌المللی با نگاه به حقوق داخلی. دوفصلنامه قضاوت، (۴۹)، ۵۸-۶۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای: www.khamenei.ir.
- محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۹). به کوشش جمعی از نویسندگان. ج ۲. چ ۱، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۷). حقوق اداری. چ ۱۵، تهران: سمت.
- فلاح‌زاده، علی‌محمد؛ همتی، مجتبی؛ جواهری طهرانی، محمد؛ فتحی، جواد؛ مزروعی، یحیی؛ بهادری، علی؛ طحان‌نظیف، هادی؛ علیزاده، ولی‌الله (۱۳۹۱). تفکیک تقنین و اجرا، تحلیل مرزهای صلاحیت تقنینی در روابط قوای مقننه. چ ۱، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). گامی به سوی عدالت؛ مجموعه مقالات. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. چ ۳، تهران: میزان.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). صحیفه امام. چ ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۷). زندان در مانگه بزهکاری و بزهکاران. تهران: مجد.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چ ۲، تهران: میزان.
- Rawls, John, A Theory of Justice; Revised Edition, 2nd E.D., New York: Harvard University Press, 2009.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی